

شماره  
375



کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

# ابو نعیم نورالدین عبد الرحمن

کاتب نعم مشہد  
سلطانی مکی

مقدمہ وتصحیح واستخراج احادیث :

کاظم دیرشاهی

استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد



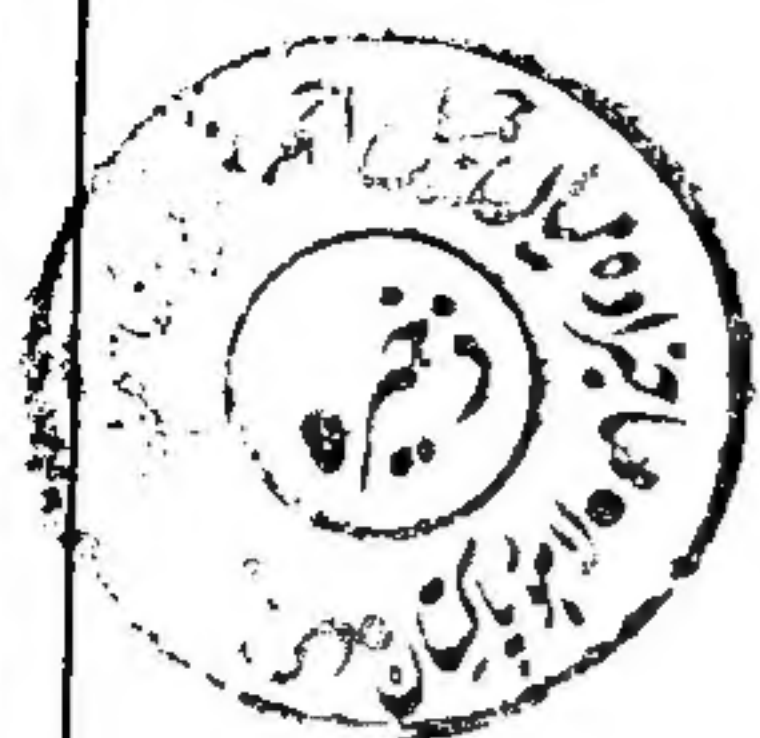


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





مکتبہ نور العارفین  
نور العارفین



# ایمن نامی

## چل حدیثی



بسم الله الرحمن الرحيم

در این عصر خستہ کہ کشور ما بجدانہ بہ استقلال سیاسی نایل آمدہ، توجہ بہ دانش علمی و  
احیای مفاخر گذشتہ نیز از اہم امور است. خوشحانہ حرکت فرہنگی پرستانی  
مراکز علمی و آموزشی مانیر آغاز شدہ، و این سلفت آوریت کہ علی رغم مشکلاتی  
کہ دشمنان با ایجاد می کنند، پیرفہای فرہنگی نیز داشتہ باشیم کہ حکومت  
بر اساس موازین اسلامی است، و چنانکہ می دانیم کتاب و علم و علم در اسلام  
پایگاہی وسیع و مقامی والا دارد.

آستان قدس رضوی از نخستین ماہہای پیروزی انقلاب اسلامی بر طبق رہمود  
کہ مرجع جہان اسلام آیہ العظمی امام خمینی در فرمان تولیت این آستان  
مقدس داده اند، در تقویت و توسعه کتابخانہ مرکزی آستان قدس اہتمامی  
بسیار می نماید، چنانکہ در دیگر خدمات فرہنگی و انتشاراتی نیز کوشاست.



در میان آثار ارزشمند که تقدیری که در این کتابخانه موجود است بعضی  
 حسن خط و تدبیر و نگارگریهای بدیع را با کمال معنی توأمان در بردار  
 برای اینکه چنین تفاسیری با حفظ اصالت و سیر نمایش در دسترس عموم  
 طالبان قرار گیرد، به صوابدیتی چند از اہل بصیرت و مایید تولیت  
 ارجمند آستان قدس رضوی، امور فرهنگی آستان قدس بر آن شد  
 تا این گونه کتب را به صورت افست چاپ کند.

امید است در راه نشر و گسترش معارف اسلامی و تہذیب ایرانی گامی  
 شایسته باشد، و موجب شود سرمایه فرهنگی مردم همین مرز و بوم به خودشان  
 بازگردانید شود. واللہ المستعان و ہو علی کل شیء قدیر.

امور فرهنگی آستان قدس



بسم اللہ

درحقی ہدف مذکور موسیٰ چاہ و انتشارات آستان قدس مطہر است  
کہ تخمین شمارہ انتشارات خود را بہ رسالہ چہل حدیث نبوی کہ توسط شاعر  
گرامنایہ جامی نظم در آمدہ۔ اختصاص دہد، و بدین ترتیب باستان  
الہام بخش رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ انتشاراتش را آغاز کند۔  
امید است انتشارات این موسسہ چون طلوعہ اش۔ انجامی مبارک  
نیز داشتہ باشد۔

توفیق انتشار را ربیسیاتی از دیگر ائمہ ابائیستی پسندیدہ از خداوند متعال  
محی بسم۔



# اربعین جامی

نور الدین عبدالرحمن

کاتب

سلطان علی مشہد

مقدمہ و تصحیح و استخراج احادیث از:

کاظم دیرشانی

استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد





مؤسسہ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

۱

### مشخصات :

نام کتاب:	اربعین جامی
ناظم:	نورالدین عبدالرحمن جامی
کاتب:	سلطانعلی مشہدی
تصحیح و استخراج:	کاظم مدیر شانه چی
خط روی جلد:	مصطفی مہدی زادہ
حروفچینی و امور فنی:	مؤسسہ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
تبراز:	۵۰۰۰ نسخہ
تاریخ انتشار:	مہم ۱۳۶۳
لبنوگرافی:	بہزاد، ۴۵۴۸۸
چاپ:	چاپ مشہد ۹۰۹۹۰
ناشر:	مؤسسہ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی - مشہد صندوق پستی ۱۷۳
حق چاپ محفوظ است	



### بسمه تعالی

حدیث یکی از دو مرجع اساسی احکام بلکه بیشتر علوم اسلامی است که از زمان پیغمبر (ص) مورد توجه مسلمین بوده است. و در فراگیری و اهتمام در حفظ آن سعی بلیغ مبذول می داشتند.

بدیهی است که تا پیغمبر خود در میان مردم بود و دسترسی به منبع فیض نبوی به سهولت میسر می شد، اهمیت حدیث چنان که باید مشهود نبود. ولی هنگامی که حضرتش رخت از این جهان بست، مردم حس کردند نیاز بیشتری به احادیث پیغمبر (ص) دارند.

از موجبات اهتمام امت بر حفظ و ثبت احادیث، دستور اکبر رسول اکرم در حیات خود به ضبط و صیانت آن برای آیندگان است<sup>۱</sup> که دست طلبشان از دامان تشرف به محضر نبوی کوتاه و بهره آنان از مشکوة انوار نبوت، میراثی است که به روایت سلف صالح برای اخلاف باقی مانده.

از جمله دستوراتی که اصحاب را بر فراگیری و حفظ بیانات نبوی تحریر و ترغیب نموده حدیث اربعین است که بنا به مشهور از حضرتش صادر گردیده است.

۱- جمله ای از این احادیث را در کتاب شریف بحار الانوار ملاحظه می فرمایید. و در محلی که حدیث مزبور را از این کتاب و سایر منابع مورد اعتماد، در علم الحدیث (ص ۱۲۱-۱۱۸) نقل نموده اند.



سیوطی در جامع صغیر از پیغمبر نقل می کند که فرمود: من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً ممایحتاجون فی امر دینهم، بعثه الله عالماً فقیهاً<sup>۲</sup>.

همین مضمون را ثقة الاسلام کلینی در کافی و شیخ صدوق در خصال و والد شیخ بهائی در اول وصول الاخیار و شیخ بهائی در آغاز اربعین و شیخ حر عاملی به طرق متعدده در وسائل الشیعه از رسول اکرم و ائمه اطهار نقل نموده اند که از آن جمله بیان حضرت صادق است که: من حفظ من شیعتنا اربعین حدیثاً بعثه الله عز و جل یوم القیامة فقیهاً عالماً ولم یعذبه<sup>۳</sup>.

این حدیث موجب شده است که از دیر زمان، دانشمندان مسلمان کتبی به نام (اربعین، یا الاربعون حدیثاً، یا شرح اربعین) مرقوم دارند که بخشی از کتب حدیث فریقین را به خود اختصاص داده است. چنان که در فهرست کتب حدیث (مکتبه الظاهرية) دمشق از (۴۶) کتاب اربعین، و در فهرست مخطوطات (دارالکتب القومية) قاهره، جلد اول نام (۱۴) کتاب تحت عنوان (اربعین) و در جلد دوم نام (۱۵) کتاب تحت عنوان شرح اربعین، و در الذریعه نام (۷۶) اربعین را ملاحظه می فرمایید. و در عین حال موضوعات متنوعی ضمن اربعینیات، بررسی شده است: چون احکام فقهی، مسائل عرفانی و اخلاقی، فضائل و مناقب، اصول عقائد، و غیره.

در این مقال، تاریخ تدوین کتب اربعین و سیر اجمالی اربعین نویسی در بین علمای شیعه و اهل سنت و موضوعات مختلفی که در این کتب بررسی شده است به اجمال از نظر خوانندگان می گذرد.

۲- کسی که چهل حدیث برای امت من در مسائل دینی که مورد احتیاج آنان است، حفظ کند خداوند روز قیامت وی را عالم و فقیه، محشور فرماید.

۳- وسائل السعه، ج ۱۸.



نخستین کتاب اربعین:

تا آنجا که این جانب سراغ دارد، اولین کتاب اربعین، در نیمه سده سوم توسط دو نفر از عالمان حدیث، همزمان نوشته شده است.

نخست اربعین ابوالحسن طوسی، محمد بن اسلم بن سالم کندی متوفای ۲۴۲ هجری است که از ثقات محدثین خراسان بوده است.<sup>۴</sup>

دیگر اربعین ابوالحسن طوسی، مؤید بن محمد بن علی قرشی حافظ، که از ثقات و پیشوایان حدیث بوده و به سال ۲۴۲ هجری در گذشته است.<sup>۵</sup>

در اعصار بعدی اربعین نویسی متداول گشته و اربعین هائی در موضوعات مختلف، به رشته تحریر کشیده شده. تا جایی که شمار اربعین ها در سده ششم از چهل کتاب می گذرد. چنان که در تألیفات احمد بن عبدوس بن کامل سلمی سراج بغدادی متوفای ۲۹۳ هـ. به نام کتاب الأربعین من مسانید المشایخ العشرين عن اصحاب الأربعین برخورد می کنیم که حاکی از آنست که اربعین نویسی در سده سوم متداول گردیده است.<sup>۶</sup>

نیز در تألیفات عبدالله بن جعفر قشیری متوفای ۵۳۳ هـ. (کتاب الأربعین من مسانید المشایخ العشرين من الأصحاب الأربعین من العوالی) مؤید این معنی است.<sup>۷</sup>

در تألیفات شیخ منتجب الدین بن بابویه قمی صاحب کتاب (الفهرست) که به سال ۵۸۵ هـ. در گذشته نیز کتاب اربعینی با

۴- فهرست المخطوطات دارالکتب الطاهرية، بخش حدیث.

۵- همان مدرک.

۶- تاریخ التراث العربی، ج ۱ ص ۴۱۲.

۷- فهرست المخطوطات الطاهرية.



نام (الأربعون حديثاً من الأربعين عن الأربعين في فضائل أمير المؤمنين) دیدہ می شود<sup>۸</sup> کہ حاکی از آنست کہ اربعین نویسی وارد مرحلہ فتنی گردیدہ و بہ حسب موضوعات خاصی چون فضائل علی (ع) آن ہم از چہل تن از مشایخ حدیث، کتبی تدوین شدہ است کہ ما گونه های مختلف آن را تابدانجا کہ مناسب وضع این مقال است از نظر اہل نظر می گذرانیم. ولی پیش از برشمردن اربعینیات، مناسب است دربارہ حدیث اربعین کہ منشأ اربعین نویسی شدہ است از لحاظ صحت و طرق اسانید آن بہ اجمال گفتہ شود.

#### سند حدیث اربعین:

می دانیم کہ احادیث منقول از مصدر نبوت تا اوایل سده دوم ہجرت در گنجینہ صدور یا کدلان محفوظ و سینه بسینہ بہ دیگران منتقل می گردید. رسم نقل شفاهی حدیث موجب شد کہ دانشمندان برای جلوگیری از دستبرد در میراث نبوی، احادیث را ہنگام نقل برای دیگران، با اسناد و ذکر وسائط بازگو کنند. و حتی در این بارہ حدیثی بہ علی علیہ السلام نسبت دادہ شدہ است کہ می فرمود: «اِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثِ فَاسْنَدُوهُ اِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ، فَاِنْ كَانَ حَقًّا فَلَهُ، وَاِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ. یعنی حدیث را مستند بہ کسی کہ از او شنیدہ اید نقل کنید تا اگر راست است از او و اگر دروغ است گناہش براو باشد». و حضرت صادق (کہ در آغاز ہمین دورہ می زیستہ) بہ شاگردان خویش توصیه می فرمود کہ سلسلہ روایت را ذکر کنند. و حتی از آن جناب نقل شدہ کہ در معنی کذب مفسر می فرمود: هُوَ اَنْ يَحْدِثَكَ الرَّجُلُ

۸. الدرر السنية في مناقب ائمة آل البيت (ع) ج ۱ ص ۱۰۰.



بالحدیث فترکہ و ترویہ عن غیرالذی حدتک به<sup>۹</sup>.

حال این وسائط کہ سلسلہ سند یا زنجیرہ ناقلین حدیث نامبدہ می شوند، در وثاقت و صحت نقل، مختلف است. و چہ بسا کسانی کہ بہ عللی احادیثی از قول پیغمبر و امامان جعل کرده اند و بہ این لحاظ ہر چہ بر زمان، می گذشت، مشکل شناسائی و اطلاع بر حال روات و ناقلان حدیث، بیشتر می گردید.

لذا از همان آغاز تدوین حدیث، علم معرفۃ الرجال (کہ در آن از احوال راویان، از لحاظ مراتب وثاقت و ضبط، بحث می شود) بہ رشتہ تحریر درآمد. چنان کہ بخاری مؤلف اولین کتاب از صحاح ششگانہ حدیث اہل سنت. کتاب دیگری بہ نام تاریخ الرواة (کہ مشہور بہ تاریخ بخاری است) تألیف نمود<sup>۱۰</sup>. و در شیعیہ همزمان با تألیف کتب اربعہ حدیث، کتب اربعہ رجال و رجال غضائری و از آن پیش رجال ابوالعباس بن سعد و رجال احمد بن نوح سیرافی و رجال عقیقی علوی و رجال برقی و رجال ابن فضال و محمد بن حسن محاربہ تدوین گردید<sup>۱۱</sup>.

و این از ویژگیہای مسلمین است کہ آنچه را از پیشوایانشان نقل می کنند، با وسائلی است کہ حالشان معلوم و وثوق بہ اکثر آنان محرز است. اکنون می پردازیم بہ سند حدیث مزبور:

پارہ ای از احادیث بواسطہ تداول در السنہ کہ ناشی از کثرت نقل

۹. صورت کوفی، ج ۱، ص ۵۲ جیب آخوندی، مجمع البحرین، ص ۵۵۰ (عنی کتب منسوخہ) کہ حدیث را از کسی نسوی و بی از دیگری کہ نقل حدیث است، روایت نمایی.

۱۰. تاریخ بخاری ضمن (۸) جلد در ہندوستان جیب مدہ است.

۱۱. کتب اربعہ رجال سبعة عبارات اند از رجال کسی، معاصر کسی (کہ صحیح موسیٰ بن جعفر

نموده) و رجال بخاری و رجال و فہرست صحیح طوسی، کسی خود بر کسی در رجال حدیث مرعہ رست، ص ۵۵



درمجامع حدیث یا تعدد و تکثر سند آنست، شهرت یافته. اعم از اینکه سلسله سند تا به معصوم (ع) متصل باشد و افراد سلسله، رجالی موثق باشند یا احیاناً زنجیره سند تا به معصوم منقطع یا مرسل و یا بعضی افراد، از وثاقیت لازم برخوردار نباشند.

حدیث اربعین (من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً بیعت يوم القيامة فقیها)<sup>۱۲</sup> در مدارک اهل سنت نیز چنین است. یعنی گرچه حدیث مشهور و سلسله سند آن مذکور است، بلکه با اسناد متعددی نقل شده است ولی تمامی سندها خالی از قدح و ضعف، نیست.

از طریق شیعه نیز به اسنادی نقل شده است که خوشبختانه بعضی اسناد، قوی است.

بنابر این کثرت نقل طرق حدیث در فریقین، می تواند جبران ضعف سند نماید. نخست بواسطه قوت نسبی بعضی از اسناد آن. و دیگر بواسطه شهرت روایی حدیث.

### گونه های حدیث اربعین در منابع فریقین:

چنانکه اشاره شد حدیث مزبور به انحاء مختلفی نقل شده است که گرچه اصل مضمون در تمامی انحاء منقول یکسان است، ولی در نقل بعضی روایات، اضافاتی است که مناسب است گونه های مختلف آنرا از کتاب (الفتح الکبیر فی ضم الزیادة الی الجامع الصغیر)<sup>۱۳</sup> و کتاب کشف

۱۲- هر کس برای امت من چهل حدیث حفظ کند روز قیامت، فقیه محشور خواهد شد.

۱۳- این کتاب همان جامع صغیر سیوطی است به انضمام اضافاتی که مؤلف پس از تدوین جامع، به آن دست یافته است و در کتابی علحده آورده است. سپس شیخ یوسف نبهانی اضافات مزبور را به اصل جامع، به همان ترتیب، اضافه نموده. فتح الکبیر ضمیمه مجلد در قاهره انتشار یافته.



الخفاء علامه عجلونی، نقل کنیم:

الف: من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً من السنّة، كنت له شفیعاً وشهیداً يوم القيامة<sup>۱۴</sup>.

ب: من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً من سنتی ادخلته يوم القيامة فی شفاعتی<sup>۱۵</sup>.

ج: من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً، بُعث يوم القيامة فقیهاً<sup>۱۶</sup>.

علامه عجلونی پس از نقل طرق حدیث، می نویسد: حافظ دارقطنی فرموده کلیه طرق واسناد این حدیث، ضعیف است. آنگاه از قول حافظ بن حجر آورده: که من طریقه های این حدیث را در جزئی جمع آوری نمودم ولی هیچ یک از طرق مزبور خالی از ضعف و علت نیست.

بیهقی نیز فرموده: متن این حدیث مشهور است ولی اسناد صحیحی ندارد.

ابن عساکر هم معتقد است که اسناد حدیث اربعین محل سخن است.

ابن حجر پس از نقل اقوال فوق گوید: حافظان حدیث متفق اند که این حدیث گرچه به طرق متعددی نقل شده است ولی خالی از ضعف نیست<sup>۱۷</sup>.

حدیث اربعین در کتب حدیث شیعه نیز به طرق متعددی نقل شده است که بعضی به حضرت رسالت منتهی می شود و برخی به ائمّه اهل بیت. در وسائل الشیعه اغلب این طرق، و گونه های مختلف متن حدیث بیان

۱۴- ابن عدی در الکامل بنقل از ابن عباس (الفتح الکبریٰ کشف الخفاء)، و صدوق در حصر<sup>۱</sup> ابن عباس (حصال ص ۵۴۲) چاپ غداری.

۱۵- ابن محار از ابی سعد خدری (الفتح الکبریٰ کشف الخفاء).

۱۶- مؤلفه اصفهانی از ابی عباس و از عبدالله بن مسعود. و ابن حوری در اعیان<sup>۲</sup> ابن عباس.

ابن ابی عمیر (ج) و ابن بن منک و ابی هریره (کشف الخفاء).

۱۷- کشف الخفاء.

سندہ است ۱۸.

ومابہ نقل سہ روایت کہ مزیدی بر روایات اہل سنت دارد بسندہ می کنیم:

۱- عن جعفر بن محمد عن ابيه ان رسول الله اوصى الى امير المؤمنين علي بن ابي طالب (ع) وكان فيما اوصى به ان قال له: يا علي من حفظ علي امتي اربعين حديثاً يطلب بذلك وجه الله والدار الآخرة، حشره الله يوم القيامة مع النبيين والصديقين والشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقاً. (خصال ص ۵۴۲)

۲- عن الرضا عن آبائه عن النبي (ص) قال: من حفظ علي امتي اربعين حديثاً ينتفعون بها بعثه الله يوم القيامة فقيهاً عالماً ۱۹.

۳- عن حنان بن سدير، قال سمعت ابا عبد الله يقول: من حفظ عنا اربعين حديثاً من احاديثنا في الحلال والحرام بعثه الله يوم القيامة فقيهاً عالماً ولم يعذبه. (خصال ص ۵۴۲)

چنان کہ ملاحظہ می شود طبق روایت اخیر، حفظ چهل حدیث، اختصاص به حدیث نبوی ندارد، و امام (ع) نظر اصلی را متوجہ نوع محفوظ فرمودہ است. یعنی آنچه را راوی برای امت حفاظت و ضبط می نماید، بطور کلی از امور باشد کہ بدان نفع برند و بیشتر عنایت بہ مسائل حلال و حرام است کہ بدین وسیلہ امت بہ وظائف شرعی خویش آشنا شوند و ہمین ویژگی است کہ راوی را در شمار فقہاء مبعوث می سازد. زیرا فقیہ نیز

۱۸- وسائل السعہ، ج ۲، ح ۱۸ صفحات: ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۷۰.

۱۹- وسائل السعہ، این حدیث در حوالہ از حضرت موسی بن جعفر نقل شدہ ولی بحای (ستفوعون بها)

مذبحانہ من امر دیہم، ذکر شدہ.



متکفل حفظ و ابلاغ حلال و حرام به افراد امت است.<sup>۲۰</sup>

### مباحث اربعينات:

پس از رواج اربعین نویسی که در آغاز مقصور بر جمع چهل حدیث و شرح الفاظ غریب آن می گردید، کم کم کتب اربعین بصورت موضوعی (یعنی جمع احادیث وارده تحت یک عنوان) درآمد. که از آن جمله است اربعین ابی عبدالرحمن سلمی در اخلاق صوفیه<sup>۲۱</sup>. و اربعین علی بن فضل، در فضائل دعا و داعی<sup>۲۲</sup>. و اربعین ذهبی (فی صفات رب العالمین). و اربعین های ابن عساکر و ابوالفرج مقرئ و چند تن دیگر در جهاد<sup>۲۳</sup>. و اربعین هانی که نظر مؤلف در آن، جمع روایات عالی السند یا مشایخ حدیث خویش در شهرها یا از طبقه خاصی بوده است.

چون اربعين رضى الدين طبرى (الاربعين التساعية الصحاح  
العوالى) (نسخه ش ۱۰۳ ظاهريه).

و اربعين رهاوی که چهل حدیث از راویان چهل شهر را جمع کرده  
(نسخه ش ۱۰۴۰ ظاهریه).

در این میان، اربعینهای فضائل و مناقب رقم چشم گیری دارد. بویژه در

۴۰- جمله (مدرشعول) یا (من مردینهم) که در بعضی روایات از حسن آمده است، دلالت بر حدیث در حدیث و فسان و مقاب (که بعضی صاحب در آن به تفسیر از حسن پرداخته اند) توسع محسوده است. بخصوص که گویان فسان و مقاب موجب هدایت مردین و مذهب گردد.

۲۱. سحره ای ارت در دارالمکتب القاهره، دمشق ۶۲ حدیث موجود است.

۲۲- نسخه ش ۱۱۹، ظاهریه.

۲۳- که نسخی از آنها و در دار کتب اصفهانی می یابند، و شاید وجود آنجاست که این نسخه را به خط درگزی مسلمانان یا مسیحیان مهاجره در جنگهای صلیبی بوده است که کشورها را ترک کرده اند و به حبش می آمده.

بین محدثین شیعه.

چون اربعین شیخ ابوسعید، محمد بن احمد ملقب به مفید<sup>۲۴</sup> جد شیخ ابوالفتوح رازی (صاحب تفسیر) که در فضائل امیرالمؤمنین جمع آورده<sup>۲۵</sup> و اربعین شیخ منتجب الدین که از چهل شیخ، چهل حدیث در فضائل علی بن ابیطالب گرد آورده و نسخه ای از آن در کتابخانه مبارکه آستان قدس رضوی موجود است.

و اربعین شیخ سلیمان ماحوزی در فضائل علی (ع) و امامت که از طرق اهل سنت چهل حدیث را جمع و شرح نموده است. و اربعین محمد شفیع استرآبادی در فضائل ائمه از طرق اهل سنت و غیر اینها که در کتاب شریف (الذریعه) معرفی شده است.

اربعینهای منظوم:

یکی از گونه های هنر شاعری، بکارگیری شعر و ادب فارسی در گزارش قرآن و حدیث است که از دیر زمان شاعرانی چون ناصر خسرو در قصائد غرای خویش و سنائی در حذیقه الحقیقه و عطار در مطاوی اشعارش و مولوی در مثنوی معنوی و به پیروی آنان شاعرانی دیگر بدین کار دست زده اند. در فضائل و مناقب اصحاب، نیز که از حضرت رسالت به صحت پیوسته، چه در تازی و چه در ادب پارسی، کاروان شعر و ادب گامهای بلندی برداشته است که نمونه های درخشانی را در شعر حسان بن ثابت و سید اسماعیل حمیری از پیشینیان، و سید حلاوی و ارزی و صفی حلی از

۲۴- وی عرار منجیه استاد سد مرندی و رسی است.

۲۵- حای نسخه های آن را در الذریعه، ملاحظه فرمائید.



متأخران (درلسان تازی) و فرازهائی را در شعر ابن حسام و قاتانی و ملک الشعراء صبوری و مجمر... (در زبان فارسی) می بینیم.

گونه ای از این هنر، ترجمه کلمات قصار رسول اکرم و علی مرتضی است که به صورت صد کلمه یا چهل حدیث به نظم شیوای پارسی در آمده که از آن جمله است اربعین جامی که چهل حدیث کوتاه از کلمات درر بار پیغمبر را ضمن چهل دوبیتی به نظم آورده. و هم او صد کلمه از لثالی منشور سخنان مولی را به سلک نظم در آورده است<sup>۲۶</sup>.

دیگر از کسانی که موفق به نظم احادیث قصار شده اند میر حسین هروی است که چهل کلمه از سخنان مولای متقیان را گزین نموده و هر کلمه ای را به دو بیت منظوم ساخته است<sup>۲۷</sup>.

محتمل است این میر حسین، همان امیر حسین حسینی هروی که به میر حسینی یا حسینی سادات، معروف است و از پیروان بهاء الدین مولتانی و شهاب الدین سهروردی است، بوده باشد، مشارالیه بیشتر ایام خود را در هرات می گذرانده و به ارشاد مردم می پرداخت و محله ای در هرات هنوز باقی است که به نام میر حسینی سادات معروف است.

و اگر ناظم همین امیر حسین باشد بی گمان جامی در نظم اربعین خویش از او پیروی نموده است.

ولی احتمال دارد که وی میر حسین بن یوسف معروف به سیف الدین

۲۶- صد کلمه جامی توسط علی اصرافیهائی ضمن مجموعه (نصاب و چهل حدیث و صد کلمه) به سال ۱۳۰۸ هـ. در تهران انتشار یافته است (الذریعة، ج ۱۵ ص ۳۰).

۲۷- نسخه ای از این چهل حدیث در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است که به خط ساه محمود نیشابوری در ۹۵۲ کتابت شده است. نسخه ای نیز به خط همین ساه محمود در تملک سادروان مهدی دانی بوده است (رجوع فرمایید به فهرست نسخه های خطی فارسی احمد منروی).

هر وی باشد که در معرفی آثارش به نظم چهل حدیث منظوم از مولی (ع) برخوردار می کنیم.<sup>۲۸</sup>

دیگر از کسانی که به نظم حدیث دست زده اند عادل بن علی (مرتب و منقح کننده ترجمان القرآن میر سید شریف است) که سه اربعین به نظم آورده است و محتمل است اربعین منظوم مطبوع که با این کلمه (قال النبی انما الأعمال بالنیات) شروع می شود از او باشد. نسخه ای از این چهل حدیث در کتابخانه مرکزی دانشگاه است که تاریخهای ۹۰۹-۹۱۲ هـ. دارد و حدیث یاد شده را با این بیت ترجمه کرده است:

اصلي اعمال نیت نیکو است      نیت نیک دار، ای مهتر<sup>۲۹</sup>

اربعین یا (چهل حدیث) دیگری نیز در دانشگاه تهران است که چون تاریخ کتابت نسخه را ۹۰۹-۹۱۲ نوشته اند و با نسخه پیشین که از عادل بن علی یاد شد یکزمان کتابت شده است بظن قوی، اربعین دوم عادل بن علی باشد که به این حدیث نبوی (ان الله خلق آدم علی صورته) و به این بیت (بدرستی که خلق کرد خدا = آدمی را به صورت زیبا) ترجمه شده است، آغاز می گردد.

اربعین سوم عادل بن علی نیز به همان قرینه (یعنی تاریخ سال ۹۰۹-۹۱۲) که یاد شد در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است که به حدیث نبوی (انا مدینه العلم و علی بابها) و به ترجمه: (گفت پیغمبر خدا که منم شهر علم و علی مراورا در) شروع می شود.<sup>۳۰</sup>

۲۹- فهرست نسخه های خطی و رسمی احمد مروی ج ۲/۲ ص ۱۵۹۷. در همین کتاب، نسخه های دیگر

از چهل حدیث را ملاحظه فرماید.

۳۰- فهرست نسخه های خطی و رسمی.



دیگر از اربعینهای منظوم: اربعین ابن همام شیرازی است (نسخه دانشگاه تهران به خط نستعلیق مورخ ۹۰۳ به نقل منزوی در فهرست نسخه های فارسی).

دیگر چهل حدیث منظومی است از احادیث نبوی که به این حدیث آغاز می شود: مَنْ حَفِظَ مِنْ اَمْتِی اَرْبَعِیْنَ حَدِیْثًا... (هر که او چهل حدیث یاد گرفت. از احادیث مهتر عالم)<sup>۳۱</sup>.

از کسانی که صد کلمه یعنی صد حدیث کوتاه را به نظم آورده اند یکی همان عادل بن علی است که گفتیم چهار اربعین را نیز به نظم آورده. نسخه ای از صد کلمه عادل در کتابخانه ملی ملک (۲۳۹۸/۱۶) مورخ ۹۰۹-۹۱۲ هـ. موجود است<sup>۳۲</sup>.

نیز مولانا عبدالباقی خطاط است که او نیز صد کلمه از سخنان کوتاه مولا (ع) را به نظم در آورده است. و نسخه دستخط شاعر که در اوج جمال و زیبایی است در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

### نسخ اربعین جامی:

اربعین جامی به واسطه شهرت و مقبولیت مؤلف<sup>۳۳</sup> و نیز به واسطه همزمانی با پادشاه و وزیری هنرپرور چون سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوائی که هر دو از ارادتمندان جامی بوده اند و نیز بواسطه اقامتش در هرات

۳۱- فهرست نسخه های خطی فارسی احمد منروی ح: نقل از فهرست موزه تبریز، ج ۲، ص ۱۰۱

۳۲- فهرست نسخه های خطی فارسی منروی.

۳۳- که حسی سلطان محمد فاتح پادشاه عظمی عثمانی و جهانپناه فرزند خود در حوض ۱۰۰۰ حویس داشته اند (رجوع کنید به تاریخ ادبیات دکتر صفای) و بعد از مرگ سلطان محمد و امیر علیشیر چهل حدیث را به خط و زیبای حویس نوشته است (رجوع کنید به فهرست نسخه های خطی منروی).

که در آن زمان مرکز تجمع هنرمندان و مخصوصاً خوش نویسان گردیده بود، در زمان مؤلف به پیرایه خط زیبای هنرمندان جمال بقا یافته است که آقای احمد منزوی سی و سه نسخه از آن را در فهرست نسخه های خطی فارسی (ص ۱۵۹۶) معرفی کرده است که از آن جمله:

نسخه ای است به خط زیبای بایزیدفرزندسلطان سلیم، پادشاه عثمانی.  
و نسخه ای است به خط نستعلیق بسیار عالی شاه محمود نیشابوری و نسخه ای به خط میر علی هروی (که هر دو در کتابخانه سلطنتی تهران موجود است).

و نسخه ای به خط عبدالرشید دیلمی (در کتابخانه سلطنتی).  
و بالاخره نسخه ای (که از نظر می گذرانید) به خط سلطانعلی مشهدی در آستان قدس رضوی.

جامی:

نورالدین عبدالرحمن جامی به سال ۸۱۷ هجری در خرگرد جام در خراسان تولد یافت. خود گوید:

بسال هشتصد و هفده ز هجرت نبوی

بدین حضیض هوان سست کرده ام پروبال

وهم او در باره زادگاه خویش گوید:

جرعه جام شیخ الاسلامی است

مولدم جام ورشحه قلمم

بدو معنی تخلصم جامی است

لاجرم درجسریده اشعار

نسبش به محمد بن حسن شیبانی که از اصحاب ابوحنیفه و از

مجتهدین بزرگ حنفی است می رسد.



پدرش نظام الدین احمد بن شمس الدین محمد دشتی است. و دشت محله ای در اصفهان است که معلوم نیست به چه سبب به جام انتقال یافته است. جامی مقدمات را در جام نزد پدر آموخت و بعد به همراهی وی به هرات و سپس به سمرقند رفت و در آن دیار که مرکز علوم اسلامی و ادبیات فارسی بود به کسب علم و ادب پرداخت. و در ریاضت به طریقه نقشبندیہ کہ مؤسس آن بهاء الدین نقشبند بود به سیر و سلوک پرداخت ورشتہ ارادت جانشین بهاء الدین، یعنی خواجہ عبداللہ احرار را بر گردن نهاد. ضمناً به خدمت سعد الدین کاشغری مشرف شد و تا وی زندہ بود در سلک مریدان وی منتظم بود و پس از استاد خلافت این طریقت بدو تعلق گرفت<sup>۳۴</sup>.

جامی در شصت سالگی (بہ سال ۸۷۷) بہ قصد زیارت خانہ خدا و حج بیت اللہ الحرام راہی سفر شد و پس از انجام فریضہ از راہ دمشق بہ بغداد و از آنجا بہ تبریز وارد شد و در سال ۸۷۸ بہ ہرات مراجعت نمود.

جامی قسمتی از زمان شاہرخ و تمام دورہ ابوالقاسم بابر و دوران ابوسعید گورکان را درک کردہ و با سلطان یعقوب آق قویونلو (۸۹۶ھ-) و جہانشاہ قرہ قویونلو (۸۷۲ھ-) و سلطان محمد فاتح (۸۸۵ھ-) معاصر بودہ است و سلطان محمد را در قصائد خویش مدح گفتہ<sup>۳۵</sup>.

ولی بہ روایت دولتشاہ کہ معاصر جامی بودہ است، در اواخر عمر پیشہ شاعری را ترک کردہ و از آن ببعد جز بندرت شعری نسرود. و دل بہ تحقیق مسائل دینی سپرد. خود گوید:

جامی لب گفتگو فرو بند دگر  
دل شیفتہ خیال میسند دگر

۳۴. ریحۃ الادب، اربع ادب دکر صفاء ریاض العرفی.

۳۵. دائرۃ المعارف مصحح.

در شعر مده عمر گرانمایه بیاد انگار سیه شد ورقی چند دگر  
جامی عمر دراز خود را (حدود هشتاد سال) بیشتر در هرات گذرانید  
وعلاوه بر افادات شفاهی وارشاد مریدان موفق به تألیف کتب ارزشمندی  
در علوم مختلف گردید که از آن جمله است:

۱- نفحات الأنس که اصل آن طبقات الصوفیة محمد بن حسین سلمی  
نیشابوری (-۴۱۲ هـ) بوده است که خواجه عبدالله انصاری آنرا از عربی به  
زبان هروی تقریر و شرح نموده است و سپس جامی به خواہش امیرعلیشیر  
نوائی تحریر خواجه را به فارسی برگردانیده. نفحات، شرح حال ۶۱۴ تن از  
عرف و مشایخ است.

دیگر از تألیفات جامی است : لوائح در معرفة الله بمذاق عرفاء<sup>۳۶</sup>،  
و لوامع در شرح قصیده خمیرہ ابن فارض مصری در عرفان و شواہد النبوة  
در بارہ حضرت رسالت (ص) واشعة اللمعات (در شرح لمعات عراقی)  
و بہارستان (کہ بہ تقلید از گلستان در حکایات ادبی و عرفانی است) و شرح  
کافہ ابن حاجب در نحو (کہ از کتب درسی حوزه های علمیه بوده است).  
جامی در شعر مقام والائی داشته چنان کہ در غزل وی را مؤسس  
سبک ہندی می شمارند<sup>۳۷</sup> و قصائدش نیز در انسجام و متانت در شمار بہترین  
قصائد شعرای پارسی زبان است. در مثنوی نیز در ردہ نخست مثنوی-  
سرایان محسوب می شود و ہفت اورنگ وی<sup>۳۸</sup> شاہد این مدعا است.

۳۶- رسالة فی لوائح در بیان معارف و معانی کہ بر الواح اسرار و ارواح ارباب عرفان... لایح

۳۷- کتاب توسعہ اسناد یک ریچارد را برگردان آن بر دان فرانسوی در پاریس چاپ شدہ است.

۳۸- ذریعہ ادب ص ۶۰

۳۹- ممل ہفت مثنوی است بہ نام: سلسلہ اندھ، سلامان و اسال، نفعۃ الاحرار، مسحۃ الابرار، یوسف و

یحییٰ، علی و محمود، جرد نامہ اسکندری.



چنان کہ پس از وی شاعرانی چون زلالی خوانساری و درویش اشرف  
به اقتباس از وی ہفت اورنگ ساختہ اند۔

جامی سرانجام بہ سال ۸۹۸ ہجری بہ هنگام اذان صبح در ہرات  
بدروہ حیات گفت۔ و سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیرنوائی و مردم ہرات  
از وضع و شریف جنازہ وی را از منزلش تشیع و بہ عید گاہ ہرات بردہ،  
پیش روی مرادش سعدالدین کاشغری دفن نمودند<sup>۳۹</sup>۔ و بدین گونه دفتر  
حیات بزرگترین استاد سخن بعد از عہد حافظ و سعدی<sup>۴۰</sup> در ہم نوردید۔  
در بارہ تاریخ وفات وی گفتہ اند: و من دخلہ کان آمنا۔

#### سلطانعلی مشہدی<sup>۴۱</sup>

نظام الدین سلطانعلی مشہدی بہ سال ۸۴۱ھ۔ در مشہد طوس چشم بہ  
جہان گشود۔ و در کودکی پدر را از دست داد و تحت عنایت مادری پرورہ در  
زاد گاہ خود بہ کسب کمال پرداخت۔ از اوان طفولیت بہ خط نویسی علاقہ  
داشت و در این مہم از ہیچ گونه کوشش دریغ نوزید۔ چنان کہ در خونسـ  
نویسی شہرت یافت۔

بہ سال ۸۶۵ھ۔ سلطان ابوسعید گورگانی اورا بہ ہرات دعوت نمود۔  
وی در آن دیار ضمن ملازمت سلطان، بہ تکمیل خط پرداخت چنان کہ وی  
را علاوہ بر لقب تشریفی کاتب السلطان بہ القاب: قبلۃ الکتاب و زبدۃ الکتاب  
و سلطان الخطاطین ستودہ اند۔

۳۹۔ منہد الاقبال، تصحیح استاد مایل ہروی (ص ۱۰۱)۔

۴۰۔ تاریخ ادبیات صفاء۔

۴۱۔ کتب بسجۃ حاضر۔

سلطانعلی پس از درگذشت ابوسعید، در دربار سلطان حسین میرزای بایقرا به کتابت مشغول شد و تا پایان روزگار بایقرا یعنی حدود چهل سال ملازم و کاتب آن امیر و مورد توجه وی بود.

قبلة الکتاب پس از مرگ بایقرا روی دل به قبلة هفتم و ذیل عنایت امام هشتم آورد و در مشهد مقدس رخت اقامت افکند و بقیت عمر را در این بلده طیبه بسر برد تا به سن ۸۵ سالگی به سال ۹۲۶ هـ. درگذشت و درجوار مرقد امام (ع) دفن شد.

سلطانعلی در خط نستعلیق شاگرد اظهر و به قولی شاگرد حافظ محمد که از شاگردان اظهر است، بوده. و معروفترین شاگردان او عبارتاند از سلطان محمدنور و سلطان محمدخندان و سلطان محمدابریشمی و علاءالدین محمد<sup>۴۲</sup>. سلطانعلی ضمن اقامت در هرات و در ارتباط با سلطان حسین بایقرا با جامی که از مقربان درگاه سلطنت بود آشنا شد و به وی ارادت پیدا کرد. و همین علاقه موجب گردید که بسیاری از آثار منظوم و منثور جامی را به زیور خط خویش آراست<sup>۴۳</sup> که از آن جمله چهل حدیث جامی است که نسخه های متعددی از آن به خط سلطانعلی، زینت بخش کتابخانه هاست<sup>۴۴</sup> که از آنها نسخه کتابخانه مبارکه آستان قدس رضوی یعنی نسخه مُشاهد است که اداره انتشارات آستان قدس بر آن شد که با چاپ آن ضمن نشر نمونه ای از احادیث نبویه گوشه ای از آثار اساتید هنر اسلامی را در اختیار شفتگان هنر قرار دهد.

۴۲. فرهنگ معین.

۴۳. الحوائج و الحاجات بوسیله مهدی دانی.

۴۴. رجوع کنید به فهرست نسخه های خطی و رسمی، مرقوم، ج ۴ ص ۲۷۵۷.



## اربعین جامی

صحیح ترین حدیثی کہ راویان مجالس دین و محدّثان مدارس یقین  
املا کنند، حمد دانائیست کہ کلمات تامّہ جامعہ بزبان معجز بیان حبیب  
خود گذرانیدہ و آنرا تالی کلام کامل و خطاب شامل خود گردانیدہ و بنقل  
رُواۃ ثقہ بعد ثقہ، بگوش محرومان از سعادتِ صحبت<sup>۱</sup> رسانیدہ و بنور علم<sup>۲</sup>،  
و عمل بموجب علم از ظلمات ضلالتشان رھانیدہ. صلی اللہ علیہ و علی آلہ  
و اصحابہ نقلة علومہ و حفظہ آدابہ.

این چھل کلمہ است از آن کلمات کہ سہولتِ فہم<sup>۳</sup> را بنظم فارسی  
ترجمہ کردہ می آید. امیدواری<sup>۴</sup> کہ ناظم مترجم، امروز در شرط مَنْ حَفِظَ  
عَلَى أَمْتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا يَنْتَفِعُونَ بِهِ، داخل شود<sup>۵</sup> و فردا بسعادت جزاء: بَعَثَهُ  
اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهًا عَالِمًا، واصل. وَمَنْ اللَّهُ يَكُونُ الْكَوْنُ وَالْعِصْمَةُ وَالْعَوْنُ  
والتوفيق<sup>۶</sup>.

۱- صحبت وی (ح د)

۲- علم بہ آن (ح د)

۳- و حفظہ (ح د)

۴- امیدواری آنرا (ح د)

۵- نسخہ فا کلمہ (سود) را بخورد

۶- بکون عصمتہ و العون و التوفیق (ح د)

### ۱۔ لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ

ہر کسی را لقب مکن مؤمن  
تا نخواهد برادر خود را  
گرچه از سعی جان و تن کاھد  
آنچه از بہر خویشتن خواھد

### ۲۔ مَنْ آعْطَى لِلَّهِ وَمَنَعَ لِلَّهِ وَأَحَبَّ لِلَّهِ وَأَبْغَضَ لِلَّهِ فَقَدْ اكْتَمَلَ إِيْمَانُهُ

ہر کہ درحب و بغض و منع و عطا  
نقد ایمان خویش را یابد  
نبودش دل بغیر حق مایل  
برمحک قبول حق کامل

### ۳۔ الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَبَدَنِهِ

مسلم آنکس بود بقول رسول  
کہ بہر جا بود مسلمانی  
گرچه عامی بود و گر عالم  
باشد از قول و فعل او سالم

### ۴۔ خَصْلَتَانِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي مُؤْمِنٍ الْبُخْلُ وَسُوءُ الْخُلُقِ

بذل کن مال و خوی نیکوورز  
زانکہ در هیچ مؤمنی باھم  
راہ ایمان اگر ہمی پویی  
نشود جمع بخل و بدخوئی

### ۵۔ يَشِيبُ ابْنُ آدَمَ وَيَشُبُّ فِيهِ خَصْلَتَانِ الْحِرْصُ وَطُولُ الْأَمَلِ

آدمی را ز پیری افزاید  
لیک دروی جوان شود دو صفت  
هرزمان در بنای عمر خلل  
حرص بر جمع مال و طول امل

۱۔ فی مہب الاحادہ عن انس

۲۔ الفتح الکبیر عن ابی امامہ

۳۔ فی الشہاد عن عدائہ بن عمر

۴۔ برمدی والقدسی عن ابی سعید الخدری ( کشف الحفاء )

۵۔ برمدی وابوداؤد عن ابی ہریرہ ( کشف الحفاء ) یست من الشہاد



# ۶۔ مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ

بتو نعمت ز دست هر که رسد  
نه بمیدان شکر کوبی پای  
کی بشکر خدا قیام کند  
تارک شکر بندگان خدای

# ۷۔ مَنْ لَا يَرْحِمُ النَّاسَ لَا يَرْحَمُهُ اللَّهُ

رحم کن رحم، زانکه بر رخ تو  
در رحمت جز از تو نگشاید  
تا تو بر دیگران نبخشایی  
ارحم الراحمین نبخشاید

# ۸۔ الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ وَمَلْعُوكٌ مَا فِيهَا إِلَّا ذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى

هدف لعنت خدای آمد  
دُنْیای و هر چه هست در دنیای  
غیر ذکر خدا که صاحب ذکر  
در دو عالم بر حمتست اولی

# ۹۔ لُعِنَ عَبْدُ الدِّينَارِ لِعَيْنِ عَبْدِ الدَّرْهِمِ

گر چه هست آفتاب رحمت حق  
شامل ذره ذره عالم  
باد از آن دور بنده دینار  
باد از آن دور بنده درهم

# ۱۰۔ دُمْ عَلَى الظَّهَارَةِ يُوسَعُ عَلَيْكَ الرِّزْقُ

ای کز آلودگی تو شب و روز  
فاقه و فقر تو زیاده شود  
بی طهارت مباش تا بر تو  
روزی تنگ تو گشاده شود

۶۔ فی سبب عن ابی هریرة یقول: لا یسکر الله من لا یشکر الناس.

۱. سرمدی و ابو داود عن ابی هریره (کشف الحفاء)

۱. سرمدی عن ابی هریره (کشف الحفاء)

۹. سرمدی عن ابی هریره (الفتح المکسر) ۱۰. بحار الأنوار ج ۱۶، ص ۳۱۹.

### ۱۱۔ لَا يُلْدَعُ الْمُؤْمِنُ مِنْ حُجْرٍ وَاحِدٍ مَرَّتَيْنِ

دگر از وی مدار چشم وفا      هر که شد با تو در جفا گستاخ  
زانکه هرگز دوباره مؤمن را      نگزد مار از یکی سوراخ

### ۱۲۔ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْعِدَّةُ دَيْنٌ

مرد را هر چه بگذرد بزبان      عیب باشد و رای آن کردن  
وعدہ در ذمہ کرم قرض است      فرض باشد ادای آن کردن

### ۱۳۔ الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

ای شده محرم مجالس راز      راز هر مجلسی امانت تست  
مکن افشای راز مجلس کس      زانکه افشای آن خیانت تست

### ۱۴۔ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ، صَدَقَ

هر که در مشورت امین تو شد      گرچه باشد امان روی زمین  
چون نهان دارد آنچه مصلحت است      خائنش خوان بحکم دین نه امین

### ۱۵۔ السَّمَاخُ رِبَاحٌ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

سود اگر بایدت زمایه خویش      دست بخشش گشا و بخشایش

۱۱۔ فی السہاب عن ابن عمر. يُلْدَعُ مِنَ اللَّذَعِ وَهُوَ لَمَعُ الْمُقَرَّبِ (من المنجد)

۱۲۔ فی السہاب عن علی (ع). العِدَّةُ: الوعد (المنجد)

۱۳۔ فی السہاب عن حذیف بن عبد اللہ

۱۴۔ فی السہاب عن ابی ہریرۃ

۱۵۔ فی السہاب عن عبد اللہ بن عمر. السَّمَاخُ: بکسر الهمزة مصدر بمعنى السَّمَاحَةِ أَيْ الْجُودِ (من المنجد)



سودت اکنون ستایش و فردا درجوار خدای آسایش

### ۱۶۔ اَلَدِّينُ شَيْنُ الدِّينِ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

نکشد بھر مال دنیسی رنج  
هر که خواهد کمال بھرہ دین  
جھرہ دین مکن بناخن دین  
تانکاھد جمال چھرہ دین

### ۱۷۔ اَلْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَعُ، صَدَقَ

صاحب حرص را زخوان کرم  
فیض احسان نمیرسد هرگز  
بقناعت گرای کان مالیست  
کہ بیایان نمیرسد هرگز

### ۱۸۔ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الصَّبْحَةُ تَمْنَعُ الرِّزْقَ

ای کمر بسته کسب روزی را  
صبح خیزی دلیل فیروزیست  
بھر خواب صباح چشم مبد  
زانکہ آن خواب مانع روزیست

### ۱۹۔ كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ، صَدَقَ

مرد را بس همین گنہ کہ قدم  
ازمقرّ امان نہد بیرون  
ھر چہ آید درون ز روزن گوش  
ازممرّ زبان دھد بیرون

۱۶۔ فی سنیات عن معاذ بن جبل سقط الدین، سنن الدین.

۱۱۔ فی سنیات عن انس

۱۱۔ فی سنیات عن عثمان بن عفان، ورواه عبد الله احمد فی روضہ، ورواه عن معاذ (کشف الخفاء).

و صحیح، صحیح احمد بن محمد (المعجم)

۱۹۔ فی سنیات عن حماد بن عمار

۲۰۔ قال رسول اللہ: السَّعِيدُ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِهِ

نیکبخت آنکسی کہ می نبرد  
رشک بر نیک بختی دگران  
سختی روزگار نادیده  
پند گیرد ز سختی دگران

۲۱۔ آفَةُ السَّمَاحِ أَلَمَنْ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

کی بہ نعمت کسی شود دل گرم  
چون ز منت کنندم سردی  
غیر باد خزان منت نیست  
آفت روضہ جوانمردی

۲۲۔ قال رسول اللہ: كَفَى بِالْمَوْتِ وَاعِظًا

چند گیری بمجلس واعظ  
پای منبری گرفتن پند  
وعظ توبس بمرگ همسایہ  
نعرہ نوحہ گربہانک بلند

۲۳۔ خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ

ای کہ پرسى کہ بہترین کس کیست  
گویم از قول بہترین کسان  
بہترین کس، کسی بود کہ بخلق  
بیش باشد ز خلق نفع رسان

۲۴۔ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ السَّهْلَ الظَّلُوقَ، صَدَقَ

تا خدا دوست گیردت با خلق  
یکدل و یکزبان و یکرو باش

۲۰۔ فی السہاب عن عائشہ

۲۱۔ فی السہاب ۷، علی

۲۲۔ فی السہاب ۷ عن عمار بن یاسر، مریدۃ: و کفی بالقی غنی، و کفی بالعبادۃ شغلًا.

۲۳۔ فی السہاب عن جابر بن عبد اللہ

۲۴۔ فی السہاب عن ابی ہریرہ، رجل طلق البدن: سخی، و رجل طلق الوجه: ضاحکہ (المنجد)



شاد طبع و شگفتہ خاطر زی نرم خوی و گشادہ ابرو باش

۲۵۔ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَهَادُّوا تَحَابُّوا

دوستی مغزو یوست دشمنی است تا کی از مغز سوی پوست شوید  
بهدایا کنید داد و ستد تا بهم زان وسیلہ دوست شوید

۲۶۔ اُظْلُبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حَسَنِ الْوُجُوهِ

بردر خوب روی منزل گیر چون پی حاجتی برون آئی  
تا از آن پیشتر کہ حاجت تو دہد، از دیدنش بیاسائی

۲۷۔ زُرْغَبًا تَزِدُّ حُبًّا، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

دیدن دوست دوست را گہ گہ چہرہ دوستی بیاراید  
زاتفاق دوام صحبت شان شوق کاہد، ملالت افزاید

۲۸۔ طُوبَى لِمَنْ شَفَّلَهُ عَيْبُهُ عَنْ غُيُوبِ النَّاسِ

ای خوش انکو بعیب بینی خویش پوشوای ہنروران گردد  
عیب او پیش دیدہ دل او پردہ عیب دیگران گردد

۲۵۔ فی مسند ابی حنیفہ عن عمرو بن حفص، نہ دوہ امر من حدیث بہ در خود حدیث عنہ

عن

۲۶۔ فی مسند ابی حنیفہ عن عمرو بن حفص

۲۷۔ فی مسند ابی حنیفہ عن عمرو بن حفص، نہ دوہ امر من حدیث بہ در خود حدیث عنہ

۲۸۔ فی مسند ابی حنیفہ عن عمرو بن حفص

### ۲۹۔ اَلْفَنَى: اَلْيَاسُ مِمَّا فِى اَيْدِى النَّاسِ

گر دلت را توانگری باید      که توانگر دلی نکوهنریست  
باز کش دستِ همت از چیزی      که بدست تصرف دگریست

### ۳۰۔ مِنْ حُسْنِ اِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَغْنِيهِ

ت شود درجهانِ علم و عمل      شاهد دین تو جمال افزای  
زانچه درخور نیفتد باز ایست      زانچه لایق نباشد بازای

### ۳۱۔ اَلْجَنَّةُ تَحْتَ اَقْدَامِ اَلْاُمَّهَاتِ

سر ز مادر مکش که تاج شرف      گردی از راه مادران باشد  
خاک شو زیر پای او که بهشت      در قدمگاه مادران باشد

### ۳۲۔ اَلْبَلَاءُ مُوَكَّلٌ بِالْمَنْطِقِ، صَدَقَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

هر که شد مبتلا به پرگویی      به بلائی عجب گرفتار است  
هر بلائی که میرسد بکسان      بیشتر از ممرِ گفتار است

### ۳۳۔ اَلنَّظَرُ سَهْمٌ مِّنْ سَهَامِ اِبْلِيسَ، صَدَقَ

دیدن زلف و خالِ نامحرم      دانه کید و دامِ تلبیس است

۲۹۔ فی السُّنَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ عَمْرٍ

۳۰۔ فی السُّنَنِ عَنْ ابْنِ هُرَيْرَةَ

۳۱۔ فی السُّنَنِ عَنْ اَبِي نَصْرٍ

۳۲۔ فی السُّنَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَحَدَّثَهُ عَنْ اَبِيهِ

۳۳۔ فی السُّنَنِ عَنْ حَدَّثَهُ



هر نظرنا و کیست زهرآلود      که زشت و کمانِ ابلیس است

۳۴۔ لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصَّرْعَةِ، إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ  
عِنْدَ الْغَضَبِ

پهلوان نیست آنکه در کشتی      پهلوانی دگر بیندازد  
پهلوان آن بود که گاه غضب      نفسِ اماره را زبون سازد

۳۵۔ لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ، إِنَّمَا الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ  
نه توانگر کسی بود که بمال      کار پرداز و چاره ساز بود  
آن بود کز شهود فضل خدای      از زرومال بی نیاز بود

۳۶۔ وَمِنْ كَلَامِهِ صَلَوَاتُ الرَّحْمَنِ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْحَزْمُ سُوءُ الظَّنِّ  
حزم مرد آن بود که درهمه وقت      درحق خلق بد گمان باشد  
درهمه کار احتیاط کند      تا ز هرکید در امان باشد

۳۷۔ وَمِنْ كَلَامِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلْعِلْمُ لَا يَحِلُّ مَنَعُهُ  
ای گرانمایه مرد دانش ور      که ترا علم دین بود معلوم  
مستعد را از آن مشو مانع      مستحق را از آن مکن محروم

۳۴۔ فی سبب عن ابی هريرة. والصَّرْعَةُ: المرة من الصرع. يده صرعه: صرعه عن (السجد)

۳۵۔ رَوَاهُ سَجْدَةُ وَابْنُ مَسْرُومٍ عَنْ ابْنِ هُرَيْرَةَ (كَيْفَ الْحَقِّ). عَرَضٌ وَجْمَعُهُ عَرَاضٌ: الْمَصْرُوعُ وَكَانَ مِنْ سَوِيِّ الْمَرْحُومَةِ وَابْنِ مَسْرُومٍ. وَالْعَرَضُ وَجْمَعُهُ الْأَعْرَاضُ: أَسْمَاءُ لَدَوَاءٍ مِنَ الْمَنَعِ. حَقْدَةُ الْمَدِّ: (السجد)

۳۶۔ فی سبب عن عبد الرحمن بن عاتق

۳۷۔ فی سبب عن ابن

۳۸۔ وَمِنْ كَلَامِهِ: الْكَلِمَةُ الطَّيْبَةُ صَدَقَةٌ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

سخن نرم گوی با سایل  
گر ز مالش نمی دهی نفقه  
زانکه در روی اهل حاجت هست  
قول خوش از مقوله صدقه

۳۹۔ وَمِنْ كَلَامِهِ: كَثْرَةُ الضَّحِكِ تُمِيتُ الْقَلْبَ

خره آنکس که بهر زنده دلی  
زیر لب خنده را بمیراند  
خنده کم کن که خنده بسیار  
صد دل زنده را بمیراند

۴۰۔ لَا يَشْبَعُ الْمُؤْمِنُ دُونَ جَارِهِ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

هر که در کشور مسلمانی  
باشد از نقد دین گرانمایه  
کی پسندد که خود بخشد سیر  
بنشیند گرسنه همسایه

\*\*\*

اربعینهای سالکان جامی  
نست از فضل حق عجیب و غریب  
هست بهر وصول صدر قبول  
که بدین اربعین رسی بوصول

۳۸۔ منی "الکلمة الطيبة عن امی هريرة

۳۹۔ منی "الکلمة الطيبة عن امی هريرة

۴۰۔ منی "الکلمة الطيبة عن عمر



# اربعین

نور الدین عبدالرحمن

کاتب

سلطان علی شاہ



صحیح ترین پیشگی رویان غایب و بی مدد مانده پس  
 یقین ادا کنند و انانیت یککات تا به جام زبان  
 بحر نیان پس خود که رایند و در از انانیت که کم کامن کا  
 من و نو که رایند و در از انانیت که کم کامن کا  
 صبرت پرسانند و بنور علم و علم موجب علم و ظلمات خد نشان  
 رانند و سیلان عیدیت آید و اسی بر نقد مدد و حفظ ابرام  
 این چل کجاست از یککات که پست فیم و بنظم فارسی تر  
 که و سیل آید امید و نری که ناظم تبسم و وزیر و شرط  
 جنطیت نیستی اریس چشما یقین و حسن نور و استاد  
 جبر او بشه اعدی و تم قیاس و قیاس علما و سلس و من

یوم النور العتہ والعون

یوم من احد کم حتی تحب لا خیر ما یحب

یوم من احد کم حتی تحب لا خیر ما یحب  
یوم من احد کم حتی تحب لا خیر ما یحب  
یوم من احد کم حتی تحب لا خیر ما یحب

من اعطی الله ومنع الله واجب الله ونقص الله شد استیجاب

یوم من احد کم حتی تحب لا خیر ما یحب  
یوم من احد کم حتی تحب لا خیر ما یحب  
یوم من احد کم حتی تحب لا خیر ما یحب

المسلم من سلم المسلمون من لسانه ویده

ایمں پس و د بقول پول کبر عا سیے و د کر عالم



کہ برجا ہو و سپہا میں  
بشد از قول و فعل و پیام

مصلحتا لا یحتمیان ۲۰۱۰ مومن النخل و سونچن

بہارِ کائناتِ غریب کی ہر دور  
بہارِ کائناتِ غریب کی ہر دور

شب این دم و شب فیه صلواتان بحر صراط

مؤلف: میرزا محمد علی  
موضوع: تاریخ و جغرافیہ

من لم يشكر الناس لم يشكر الله

بہ نعمت زودیت حرکت پیدا نہ ہو۔ ان لوگوں کی پائی

بیشکند قیامت بیک شکرند کائنات

من لا یرسم الناصب لای یرحم

بیشکند قیامت بیک شکرند کائنات  
من لا یرسم الناصب لای یرحم

الدنیا ملعونہ ملعون فیہا ذکر اللہ تعالیٰ

الدنیا ملعونہ ملعون فیہا ذکر اللہ تعالیٰ

لعن عند الدنیا رلعن عند الذررم

کر بیت ثواب رحمت حق شامل ذررم عام



بسم اللہ الرحمن الرحیم  
دم سے اظہارِ توبہ و عیسا

بایں مع المومنین و ستمین

فال چول نہ علی نہ عیسا و ستمین

مذہب بکند و بزم سیمین

مکتبہ اربعین پتہ قلعہ شہرہ

مجاہدین ہفت صدق سولہ

مکتبہ اربعین پتہ قلعہ شہرہ

مکتبہ اربعین پتہ قلعہ شہرہ

مکتبہ اربعین پتہ قلعہ شہرہ

پساح راج صدق سولہ

مکتبہ اربعین پتہ قلعہ شہرہ



سودت کنون پستایش فروزا جوارشہ ای پائش

الدین شین الدین صدق رسول اللہ

سید عالم برکات  
سید عالم برکات  
سید عالم برکات

القنات مال انیف صدق

سید عالم برکات  
سید عالم برکات  
سید عالم برکات

قال رسول اللہ الصبح تمنع الرزق

ای مکرتیکب روزی مسیح خیزی و مل فوایت

بزرگ مسیحا ششم ہند | از کوخج بمانع روت

کنی المراء امان عدش کل ما پسمع صدق



قال پول الله پسمع من وعظ مبر



ثم الیہ صلاح المصن صدق رسولہ

کی قیمت کسی شود دل کرم | جو زنت کتہ ہم پسر می





شاد و بخت ناطق بیا : نرم خوی بخت و بزر و بخت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم تنها و تنجا بوا

بختی بختی بختی  
بختی بختی بختی

اطلبوا این سر غنڈ پان لو جو و

بختی بختی بختی  
بختی بختی بختی

ز رنبت نزد و بخت صدق رسول الله

بختی بختی بختی  
بختی بختی بختی



شوق و عزت نام شوق کا پیر

طولی ملن غلہ یسبہ عن حبیب النکاح

چند چمن چمن چمن چمن چمن چمن

لفنی ایسا پس مافی بدی النکاح

ایسا ایسا ایسا ایسا ایسا ایسا

مینا پس اسلام لمر ترکہ مالایسیہ

تا شوق و حبیب پس شوق و حبیب

نہایت گنجینہ سید سلیمان بن علی

بیت تخت اقدام الامہات

نہایت گنجینہ سید سلیمان بن علی

ابن مومن المنطق صدق پول

نہایت گنجینہ سید سلیمان بن علی

نظم سر پہم سپوم من پیام اہل پس صدق

یہ دن زلف و خال کسرم | و تیکہ دو تمہ پست



پیشانی بیست و نهم زانچه لایق نباشد برآی

یارسید بالعبث انما الشیء الذی یملک نفسه الغضب

پیشانی بیست و نهم زانچه لایق نباشد برآی

لیس نفسی عن کثرة الغرض انما العنی النفس

پیشانی بیست و نهم زانچه لایق نباشد برآی

و من کلایه صلاوات الرحمن علیه وآله انحرم الوطن

جزم و آن دو که فوت و حق خلق بکمان است

و بعد از تسبیح و تائید و مانع

و بر کلاه صلی اللہ علیہ وآلہ العہد المکمل

و بر کلاه صلی اللہ علیہ وآلہ العہد المکمل

و بر کلاه الکمل الیستہ صدق رسول اللہ

و بر کلاه الکمل الیستہ صدق رسول اللہ

و بر کلاه کیشتر الضحک تیر القلب

و بر کلاه کیشتر الضحک تیر القلب



مذہب و کفر کے درمیان کثرتِ اہل سنت

یہ شیخ مومن دون جاہ صدق رسولؐ

یہ شیخ مومن دون جاہ صدق رسولؐ

پیشانی پر پائی ہے

تہ فضل پر ہے

یہ شیخ مومن دون جاہ صدق رسولؐ



یہ شیخ مومن دون جاہ صدق رسولؐ

یہ شیخ مومن دون جاہ صدق رسولؐ

۴۵۷

کتابخانه آستان قدس  
در مختص

کتابخانه آستان قدس

کتابخانه آستان قدس  
در مختص

کتابخانه آستان قدس

کتابخانه آستان قدس

کتابخانه آستان قدس

کتابخانه آستان قدس

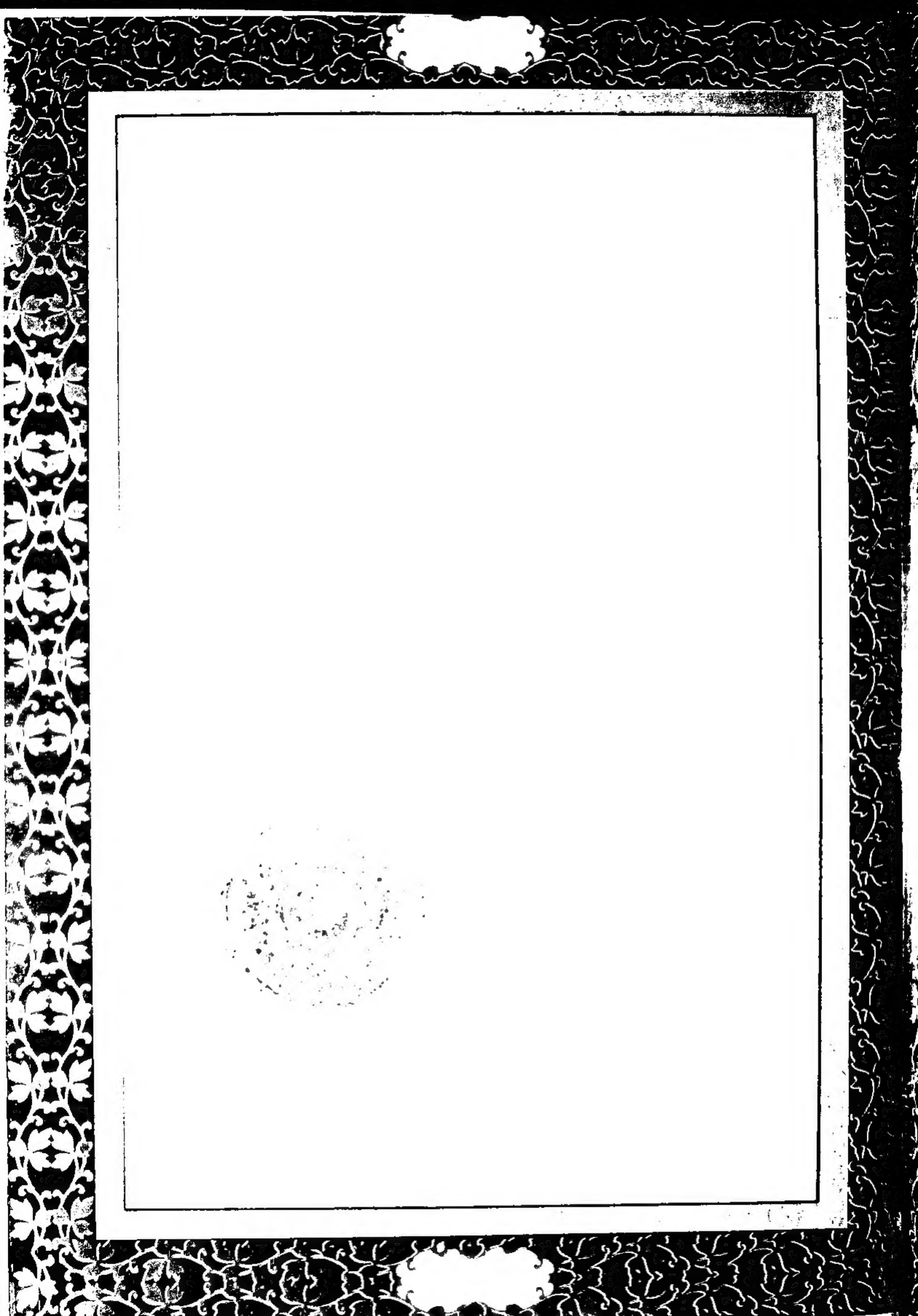


کتابخانه آستان قدس

کتابخانه آستان قدس

کتابخانه آستان قدس







مؤسسہ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی





مؤسسہ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی